

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

سوره مبارکه نور (جله شانزدهم)

جله خانوادگی - اسناد اخوت ۱۰/۶/۹۵

خدا توفیق بدهد مهمان اهل بیت (علیهم السلام) باشیم.. از خطاهایمان بگذرند و اشتباهات مان را خودش جبران کنند،
صلواتی ختم بفرماید.

جهت اینکه هر ایرادی که در زندگی ما وجود دارد، اعم از شخصی، خانوادگی، شهری، کشوری، تشیع و ... که زیر
پرچم امیرالمؤمنین قرار دارند به برکت وجود مقدس بقیه الله (عج الله تعالی فی فرجه) اصلاح شود **صلوات**

خدا توفیق دهد به طهارتی دست پیدا کنیم که قرآن در درون ما جاری شود و ما را لبریز از معنویت کند که هم
خودمان از این نور مسرت یابیم و به بهجت برسیم و هم بقیه از سرور ما سرور شوند **صلوات**

تا زندگی هایتان پر نور نشده نمی توانید از این سوره دل بکنید.. این خیلی خوب است و علم همراه با عمل است.

در مورد حجاب پرسیدند تا شاید در جامعه این موضوع حل شود. برای اینکه مطالبه تان به حقیقت وصل شود **صلوات**
ان شاء الله مطالب طوری نازل شود که بتوانیم از آن استفاده کنیم.

در ۲۴ ساعت، ۲۴ ساعت فرصت دارید. اینکه مبنای هر ۲۴ ساعت را بخواهید مشخص کنید، سخت است. تنظیم از
علم به عمل راحت است. اما ارزیابی از عمل به علم راحت تر است. برای انجام هر عمل حجت و معیاری داری یا نه؟
باید دچار توجیه یا یأس نشوید.

نسبت به هر جا متوجه شدی که علم و معیار نداری، باید آنجا را باید اصلاح کنی.

حجت داشتن مهم است: (یا ایها الانسان انک کادح الی ربک کدحاً فملاقیه)

وقتی خدا را ملاقات کردی بگویی به این دلیل، این عمل را انجام دادم.

صالح یعنی قبول برای خدا یعنی کاری کنی که خدا آن را قبول کند. به عبارت دیگر باید مبتنی بر علم باشد تا صلاحیت داشته باشد.

تحقق عمل صالح حتماً باید بر اساس علم باشد.

برای اینکه انسان بخواهد کاری را بر مبنای علم انجام دهد یا باید مجتهد باشد و یا اگر نیست برود و سوال کند. مانند این است که مثلاً وقتی ما مریض می‌شویم به دکتر مراجعه می‌کنیم تا در واقع از علم او استفاده کنیم. حالا اگر عملی انجام دهم این عمل صالح می‌شود، چون حجت‌دار است.

در مورد غذا و دارو همه می‌دانند و به صورت طبیعی به عالم مراجعه می‌کنند اما در حوزه دین و فرهنگ هر کس فکر می‌کند خودش باید برود عمل کند. مسئله حجاب هم باید پزشکی داشته باشد و برای آن یک مرجع علمی باشد تا افراد به آن مرجع علمی رجوع پیدا کنند.

اگر مشکلی هست به این دلیل است که آن جامعه رجوع ندارد. نه اینکه مرجع علمی‌ای وجود ندارد. چرا اتفاقاً اقتصاد دان، جامعه‌شناس و ... هست اما رجوع به او وجود ندارد.

آدم بی دین از دنیا برود خیلی بدتر از این است که با سرطان از دنیا برود. اما ما قائل به کارشناس نیستیم.

یا قائل به عمل‌گرایی بدون علم است یا بالعکس که این باعث افراط و تفریط در جامعه می‌شود. در نتیجه سبب نفوذپذیر شدن جامعه نسبت به القائات و عملیات‌های شیطانی و دشمن می‌گردد.

نسبت به این مسائل نباید بی تفاوت بود. نباید هم رجوع به متخصص را فراموش کرد. لذا باید متخصص‌پروری کرد.

وحدت رویه داشتن موجب حل مسئله می‌شود. این را مرجع باید تشخیص بدهد که چه باید کرد. و باید به آن هم عمل کرد. حتی برخورد تند هم شاید بتوان داشت اما بشرط اینکه زیر نظر مرجع باشد.

جامعه از حوزه تخصص خارج می‌شود و افراد برای خود تصمیم می‌گیرند و در نتیجه اتفاقات بدی می‌افتد.

کسی نمی‌تواند راجع به همه امور زندگی تخصص داشته باشد. حتماً در حوزه مشاوره هم، مشاوره‌ها تخصصی است.

کلمه‌ی کلیدی تخصص در قرآن، اولوالالباب است. آنها که متمول و اهل مکت هستند و امکانات و حرفه دارند اولوالفضل هستند.

ترکیب اولوالفضل و اولوالالباب منجر به ساماندهی جامعه می‌شود.

از یک طرف باید به اولوالالباب رجوع شود. از یک طرف باید جامعه اولوالفضل بشود. اولوالفضل باید به اولوالالباب رجوع کنند. اولوالفضل باید در مراکز علمی متمرکز شود.

اولوالالباب تخصصی هستند؛ در حوزه ازدواج و اقتصاد و ...

اگر جامعه این دو بال و بازو را داشته باشد به خوبی می‌تواند از مسائلی که برایش پیش می‌آید، عبور کند.

اولین کاری که ما بعد از شنیدن این حرف‌ها باید انجام دهیم این است که اولوالفضل شویم و توانمندی‌های خود را شکوفا کنیم. دومین کاری که باید بکنیم این است که برای هر تخصص باید رجوع به اولوالالباب داشته باشیم.

اولوالفضل‌ها هستند که اولوالالباب‌ها را ظاهر می‌کنند و لب را در جامعه جاری می‌کنند. اولوالفضل‌ها مکت و امکانات دارند اما اولوالالباب‌ها نوعاً مخفی هستند.

معلوم نیست که کدامیک ازین دو مهم‌تر است چون این دو لازم و ملزوم یکدیگر هستند. حوزه‌های علمیه این‌طور تأسیس شده است.

اما الان نگاه ما به فضل مانند نگاهمان به لبّ کامل نیست.

* قاعده سوره خواندن این است که آیات را در بستر کل ببینید.

آیات اولیه سوره نور، آیات همراه با حدود است در نتیجه همه را باید در یک بسته و مثل یک نرم‌افزار ببینید.

اگر بقیه اجزای ویندوز خراب باشد، برنامه بالا نمی‌آید.

مسائل جامعه را باید به صورت شبکه‌ای و منظومه‌ای دید. متخصص رشته‌ها باید این‌ها را منظومه‌ای ببینند. اگر از ما خواستند متخصص حوزه جامعه و یا خانواده شویم و ... باید این سوره‌ها را با بسته و مجموعه‌اش بخوانیم.

خواندن سوره‌های مکی و مدنی قواعدی دارند. در سوره‌های مدنی اسماء سوره و یا باورهای سوره مهم هستند. اگر در سوره نور خبیر بودن خدا را آورده است، این خبیر بودن موضوعیت دارد.

اگر روی اسمی مثل علم خدا، در سوره‌ی نور خیلی مطلب آمده است و غفران و رحمت خدا مکرر تکرار شده یعنی این موضوع اهمیت زیادی دارد.

موضوع اصلی جامعه‌ای که موضوعات در آن مطرح می‌شود این است که نوع مردم غفلت از این اسم خدا دارند. علم خدا در آن جامعه جاری نشده است و افراد آن جامعه نمی‌دانند. اما خدا می‌داند زیرا خدا خبیر است.

۱. نظام اسماء را در یک فضای فرهنگی و باوری جاری کنند. کلیپ، فیلم مستند و ... بگذارند. محور را روی علم خدا بگذارند و مردم را از علم خدا مطلع بکنند.

اگر انسان بداند خدا می‌داند، و نتواند ازدواج کند، اما می‌داند که خدا می‌داند وقتی به او گفتند عفت پیشه کن، عفت در او جاری می‌شود..

اما اگر احساس کرد که خدا نمی‌داند و جامعه رها است، در نتیجه بدی در او زیاد می‌شود.

اگر در جامعه القاء بدی شد و تهمت به افراد زدند یعنی اسم غفور رحیم خداوند در جامعه شناخته نشده است. در جامعه لازم است تا اسم غفران و رحمت خدا جاری شود.

در سوره‌هایی که در آن مسائل مختلفی که ما به دنبالش هستیم مانند حجاب مطرح شده است، باید اسماء سوره‌ها مورد توجه قرار بگیرند. کسانی که گرفتار هستند و نتوانسته‌اند ازدواج کنند، در معرض افک هستند و نسبت به آن‌ها بدبین است، اولی الباب باید به آن‌ها ذکر بدهد.

کار سختی نیست و قابل کشف و توصیف است.

برای حل مسائلی که در جامعه هست باید مراحل را انجام داد:

۱- ترمیم جامعه بر اساس باور و بر مبنای سوره: (جاری کردن اسماء و برنامه‌ریزی کردن برای اینکه آن اسماء

مطرح شود و مردم خوش‌بینانه نسبت به آن عمل کنند.)

۲- اجرای احکام به صورت مجموعه‌ای: (نسبت به حجاب تعصب دارند، نسبت به ازدواج بی‌تفاوت هستند یا

بالعکس! چرا این قدر بی‌تعادل.)

اگر می‌توانید دیگران را کمک کنید، حتماً بکنید.

وَلَا يَأْتَلِ أُولُو الْفَضْلِ مِنْكُمْ وَالسَّعَةِ أَنْ يُؤْتُوا أُولِي الْقُرْبَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلِيَعْفُوا وَيُلِصِقُوا
أَلَا تَحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ عَفُورٌ رَحِيمٌ (۲۲)

برای اولوالفضل در این جامعه، چون سطحی از مردم دچار آسیب شدند، شبهه شد که اینها بدکار هستند. اولی القربی هستند.

چرا اولی الفضل به خاطر این موضوع دست از کمک به کردن این‌ها کشید؟ جامعه را به سمت بدبینی بیشتر نبر! کار خودت را بکن..

اولوالفضل‌ها نزد خدا آبرومند هستند.

اصلاً شاید آن مسکین کاری هم کرد. اما نادیده بگیر (یعفوا) یا نه اصلاً توجیهش کن (یصفحوا).

درست است جامعه در معرض بدبینی است اما تو کار خودت را بکن. تو جای خدا تصمیم نگیر..!

نباید نسبت به حدود خنثی باشند و از آن طرف هم باید عفو و صفا داشته باشند. لازم نیست تفحص کنی.

در سوره‌های مدنی که نوعاً احکام بایندی و نبایندی می‌آید، انسان باید به مجموعه باورها تن بدهد چون اگر این کار را نکند از نظر خدا یک آدم غیر متعارف می‌شود.

در سوره‌هایی که مدنی هستند:

ساختارهای حاکمیتی و اجتماعی باید درست شود. حرکت توده مردم باید برای تشکیل و تأسیس ساختار حاکمیتی و اجتماعی باشد.

یک موقع من تک و فرد هستم، تذکر می‌دهم. اما وقتی ۵ نفر می‌شویم، بروشور چاپ می‌کنیم و بعد مراحلش را در نظر می‌گیریم و تبدیل به مطالبه از وزارت ارشاد می‌کنیم و ...

در اجتماع حرکت‌های فردی به نتیجه نمی‌رسد. حتماً باید نظام طراحی شود و افراد، دغدغه ساختار داشته باشند.

لَقَدْ أَنْزَلْنَا آيَاتٍ مُبِينَاتٍ وَاللَّهُ يَهْدِي مَن يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (۴۶)

وَيَقُولُونَ ءَأَمَّا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ وَأَطَعْنَا ثُمَّ يَتَوَلَّى فَرِيقٌ مِّنْهُمْ مِّن بَعْدِ ذَلِكَ وَمَا أُولَئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ (۴۷)

ساختارهای سیاسی و اجتماعی که بعد از آیات رجال لا تلهيم آمده.

در آخر سوره رسول و کافر آمده که نشان می‌دهد یک جریان ساختاری درست شده است.

علم به حقایقی که خداوند در این سوره به آن اشاره کرده است که قبلاً درباره آن بحث شد. (مبینات، بینات و... و

علم به آیات ۳۹، ۴۱، ۴۰..)

زمانیکه در بین بحث‌های خانواده در این موضوع صحبت می‌کند، حتماً یک نظام درسی ای دارد.

برای اینکه حجاب را می‌خواهیم تقویت کنیم، باغ پرندگان تأسیس می‌کنیم (طیر صافا) اما این‌ها واقعا با یکدیگر چه ربطی دارد؟ نمی‌دانیم اما خدا این را و حجاب را گفته است.

بزرگترها بیانند تسبیح و نماز پرنده‌ها را ببینند. تسبیح این طوطی و مرغ و ... چگونه است. ذکر بیشتر پرنده‌ها در روایات گفته شده است.

علم‌اش را هم باید در نظر گرفت، ادبیات علمی‌اش باید لحاظ شود.

برای هر کدام از علوم هم سرفصل ارائه شده است. حالا چه کسی بتواند عمق و مفهوم این آیه را درآورد.

طبق سوره نور اگر در شهری مردم توجه به طیر داشته باشند، به وجه صلاه و تسبیح، به طور طبیعی نسبت به مسائل خانواده‌شان هنجارتر هستند.

اول سوره گفته شده "سوره انزلناها و فرضناها" یعنی سوره هست و تمام آیات آن هم واجب است.

خداوند در هر سوره‌ای بالاخص در سور مدنی، در مهارت‌های اجتماعی، علوم و تکوینیات و آیات، انواع علوم را نه تنها توجیه بلکه گاهی واجبش کرده است.

"الم تر" وجوب را به وجه استفهام می‌رساند.

آن چیزی که اهمیت بسیاری دارد، همان قدر اسماء و صفات الهی است.

در آسیب‌هایی که خدا به واسطه خباث ذکر کرده، نوع آسیب‌ها مهم است. توجه به آسیب‌شناسی سوره و پرهیز از گرفتار شدن به آن آسیب‌ها، جزء غرض‌های سوره است. به همین جهت خوب است تا سوره از وجه آسیب‌ها مورد مطالعه قرار بگیرد.

با توجه به آیه: "وَمَنْ لَّمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ" (۴۰)، برای دور کردن آسیب‌ها، باید به این نکات توجه داشت: نور و ذکر داشته باش، آن قدر که ذکر در بیت جاری شود. آن قدر که آن مرد که به تجارت در بازار می‌رود، غافل نشود. پس نصاب ذکر و قرارش در بیت آن قدر است که آن بنده خدا که به تجارت می‌رود، غافل نشود. و البته نباید این برداشت شود که در اینجا تنها منظور مردان باشد و زنان منظور نباشند.

آن قدر آن ذکر فراوان است که آقایی که نمازش را اول وقت می‌خواند و قضا هم نمی‌شود، نماز شب‌اش نیز قبل نماز صبح خوانده می‌شود. پدر و مادر دستشان را بالا می‌کنند و دعا می‌کنند و ...

یعنی ذکر بطوری در این انسان قرار گرفته که هیچ ظلمتی در او راه ندارد.

وقتی نور نیست: سوءظن هم هست. ارتباط با نامحرم هست. هرچه غیرنور هست، هست؛ همه گزاره‌های سوره را به این سبک می‌توان خواند.

اگر بخواهیم خانواده‌هایمان سوءظن نداشته باشند و ایمان در آن‌ها جاری شود، باید ذکر در آن‌ها باشد.

پیشنهاد می‌شود سوره را از این ۵ منظر مطالعه کنید. [غرض‌یابی در سوره‌های مدنی (کشف غرض در سوره مدنی)]

۱- جاری کردن اسماء و شناخت اسماء

۲- شناخت احکام و جاری کردن مجموعه احکام

۳- ساختار و حرکت به سمت قوت‌بخشی به ساختار یا ایجاد ساختار

۴- علم و علومی که در آن سوره مطرح شده در لایه‌های مختلف تکوین و تشریح

۵- آسیب‌شناسی و گریز از آسیب‌ها: اما خیلی نباید روی آسیب‌ها مانور بدهیم، چون در حکم زهر است.

افک، سوءظن به دیگران، قسم برای کمک نکردن به اولی‌الباب، نداشتن ذکر، نداشتن معنویت، خانواده بدون معنویت و ..

یکی از مشکلات اساسی که ما داریم این است که نمی‌دانیم اصلاً در قرآن چه نوشته شده است.

- چند سوره مدنی داریم؟

- در هر کدام چه مطالبی گفته است؟

- بایدها و نبایدهایش چیست؟

- بایدها و نبایدها چه عملی می‌خواهد و چه ساختاری دارد؟

در مورد قرآن باید از ساختار محکمی پیروی کنیم. احکام و علوم در قرآن گفته شده است، که متأسفانه ما از آن مطلع نیستیم. و البته این "ما" را نسبت به قرآنی‌ها می‌گوییم!

این خیلی بد است که خدا از من پرسد در جامعه مدنی چند ساختار باید داشته باشد و من نتوانم جواب بدهم. ممکن است کسی بگوید این مالِ اولی‌الباب است.. و این بهترین حرف است.

اما شما که در مدرسه همیشه دوست داشتی تا شاگرد اول شوی، نمی‌خواهی شاگرد اول قرآن بشوی!؟

لیستی از چنین آسیب‌هایی را می‌توان از قرآن تهیه کرد.

لیست در قرآن هست: لیستی از اسماء و لیستی آسیب‌ها

قدیم‌ها توصیه می‌کردند به دختران و پسران جوانان که در شرف ازدواج هستند، اجازه دهید سوره را حفظ کنند. فتیاتکم... سیستم خود سوره است.

ادبیات سوره نور این نیست که بگوییم، بچه جان بشین حفظ کن و گوشش را هم بیچانیم، این رفتار غلط است.

اما اگر اینگونه باشد که من اجازه می‌دهم تا آن را حفظ کنی.. یعنی این قدر با هم صمیمی و دوست هستیم که بیت-اش اذنی ست.

تعجیل در فرج امام زمان (عج) صلوات